

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم «اسیر»

مستِ باده

ز تاب عارضش آتش به جان افتاده، تب اینست
به یاد کاکلش روزم سیه گردیده شب اینست
مرا در کوی خود افتاده در خون دید، حیران شد
کسی از کشته خود بیخبر باشد، عجب اینست
به پیش لعل او از تشنه کامی سوختم، اما
نکردم خواهش یک بوسه از لعلش ادب اینست
به خاک انتظارم مینشاند، خود نمی آید
نمی آید، نمیخواند، نمیراند، غضب اینست
سپند روی مجمر گشتم و عمری ست میسوزم
بت من دور از رویت مرا عیش و طرب اینست
به جز از عشق تو در دل ندارد راه، اینک دل
نرفته جز دعایت بر لبم ای شوخ، لب اینست
به رویم بی سبب پا ماندی و با غیر پیوستی
منت با خون دل پرورده ام آخر سبب اینست
چو مست باده گردی ساده تر بنشین به پهلویم
یگانه آرزویم از تو ای شوخ شقب اینست

«اسیر» از ما به عشق خود ندیده هیچ کوتاهی

بت من خود بُود کوتاهبین، امروز گپ اینست

(کابل نازنین - عقرب ۱۳۳۱ ش)